



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۰۲

جلیل غنی هروی

آیا پاکستان این بار صادق خواهد بود

با سفر جنرال قمر باجوه، لوی درستیز قوای نظامی پاکستان و مذاکره با اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان امیدواری برای آغاز فصل نوی در روابط بین افغانستان و پاکستان ابراز شده است.

این سفر به گفته شاه حسین مرتضوی سرپرست دفتر مطبوعاتی رئیس جمهور غنی بر اساس گفت و گو های قبلی بین مامورین دو کشور می باشد که دران علاوه بر لوی درستیز پاکستان رئیس اطلاعات اردوی پاکستان، و معاون وزارت خارجه آن کشور نیز اشتراک دارند.

رئیس جمهور غنی در مذاکراتش به روز یکشنبه با هیأت پاکستان این سفر را فصل جدیدی در همکاری بین دو کشور خواند و گفت بعد از اعلام ستراتیژی جدید امریکا تغییر در فضای منطقه به وجود آمده و ابهام از بین رفته است.

رئیس جمهور افغانستان و هیأت پاکستانی روی امنیت منطقه، روابط دوجانبه کابل و اسلام آباد، صلح و ثبات، مبارزه با تروریسم، حمل و نقل و تجارت، مناسبت های کوتاه مدت و بلند مدت افغانستان و پاکستان تبادل نظر کرده اند.

آقای غنی در اظهارات قبلی خود گفته بود که « ما نخست با پاکستان صلح می کنیم بعد با طالبان مذاکره می کنیم»

از این نکته چنین بر می آید که پاکستان با افغانستان در جنگ است و افغانستان باید نخست با این کشور به یک صلح برسد. اما باید یاد یاد آور شد که رسیدن به صلح واقعی با پاکستان زمان گیر خواهد بود و تا آن مدت خشونت و انفجار و انتحار و ویران گری و جنگ و خونریزی دوام خواهد داشت چون بزرگترین حربه فشار بر افغانستان برای قبولاندن آرزوی های جاه طلبانه و تجاوزگرانه دیرینه این کشور در افغانستان، که بارها دران باره نگاشته ام، بوده است و دران صورت استفاده ابزاری از گروه های دهشت افکن به شمول گروه طالبان و حقانی و هجده گروه دیگر هم دوام خواهد کرد. اما سوال اینجاست که منشأ و یا دلایلی که پاکستان با افغانستان در جنگ باشد چیست؟ چرا پاکستان باید با افغانستان در جنگ باشد؟ درین نوشته به صورت مختصر به بعضی از این دلایل اشاره خواهد شد و اخیراً در مقاله تحت عنوان «بحران افغانستان، نگرانی ها و منافع جهان و

به اهتمام جلیل غنی هروی

منطقه» که در همین وب سایت نشر گردید، به بعضی از منافع و نگرانی های مشروع و نامشروع همسایگان برداشته شد که ایجاب تکرار را نخواهد کرد. همچنان آقای غنی در کنفرانس مشترک روز چهارشنبه گذشته بیست و هفتم سپتامبر با جمز متیس وزیر دفاع ایالات متحده و ینس ستولنبرگ منشی عمومی پیمان ناتو بعد از مذاکرات شان در ارگ ریاست جمهوری گفت «تغییراتی که در ماحول افغانستان آمده سبب می شود که در قید گذشته نمانیم و از فرصت های جدیدی که برای صلح فراهم شده استفاده کنیم، مخصوصاً تغییراتی که در سیاست جهانی نسبت به منطقه پیش آمده است»

این قسمت بیانات آقای غنی تعبیر های مختلف شده می تواند و چند کلمه و فقره ای دارد که قابل تشریح و توضیح است ولی درین بیانیه آقای غنی به تفصیل و یا اشاراتی بر نمی خوریم که بتواند هدف اصلی او را روشن سازد. وقتی که می گوید «نباید در قید گذشته به مانیم و از فرصت های جدیدی که برای صلح به وجود آمده، استفاده کنیم» آیا هدف همانطوری که قبلاً گفته بود که «نخست با پاکستان صلح میکنیم و بعد با طالبان مذاکره می کنیم» میباشد و یا هدف دیگری در قفای آن نهفته است. فرض کنیم که هدف "صلح با پاکستان" باشد، برای روشن شدن بیشتر، بر جمله دیگری که به تعقیب این اظهاراتش گفت تأمل می کنیم «اکنون زمینه برای ثبات منطقه ای فراهم شده و هدف ما اینست که این ثبات منطقه ای شکل نهائی بگیرد. این به ما فرصتی می دهد تا زمینه های ابعاد صلح آمیز منازعات را جست و جو کنیم»

از این عبارات و جملات چنین بر می آید که افغانستان با پاکستان، یگانه کشور همسایه در منطقه که با آن "منزاعاتی" دارد، می خواهد "زمینه های ابعاد صلح آمیز منازعات" را جست و جو کند.

حال به بینیم این "منزاعات" چیست و چرا صیغه جمع به کار رفته نه مفرد. اگر هدف کشاندن طالبان به میز مذاکره است که باید صیغه مفرد به کار می رفت. ولی چنین معلوم می شود که چندین منازعه نزد آقای غنی مطرح است که می خواهد "زمینه های ابعاد صلح آمیز این منازعات" را جست و جو کند.

افغانستان منازعه عمده ای که از آوان تشکیل پاکستان در ۱۹۴۷ با این کشور دارد، موضوع خط فرضی دیورند است. آقای غنی به طور ضمنی متذکر می شود که "مخصوصاً تغییراتی که در سیاست جهانی نسبت به منطقه پیش آمده است" شاید این تذکر آقای غنی در رابطه با جنبش های آزادی خواهی، فعالیت های جوامع مختلف و منقسم برای حق خود ارادیت، اعطای حق تعیین سرنوشت و حل منازعات منطقی، میراث شوم قرون گذشته، در نقاط مختلف جهان باشد چنانچه درین روز ها شاهد همه پرسی کرد های عراق، کاتالونیا در هسپانیه، اوکراین، کریمیا در اروپای شرقی و بعضی مناطق دیگر هستیم. در مذاکرات روز یکشنبه بین رئیس جمهور افغانستان و هیأت پاکستان هم گفته شد که قراراست کابل و اسلام آباد یک تیم کاری را برای عملی سازی تعهدات دو طرف ایجاد کنند و از نحوه و چگونگی پیشرفت های تعهدات نظارت کنند. رئیس جمهور غنی تأکید کرد که: «تیم کاری دو جانب گام های بعدی را در سکتور های مختلف بردارند تا چهارچوب واضح همکاری همه جانبه بخاطر تأمین صلح و ثبات در منطقه تدوین و گام های عملی در این راستا برداشته شود.»

همه ای این تذکرات و کلمات و اشارات بار بزرگتر از گفت و گو با طالبان را بر دوش دارد. شاید موضوعات کلانتر و پیچیده تری به شمول منازعه افغانستان و پاکستان روی خط فرضی دیورند هم شامل آن باشد و شاید هم

اختلافات و مناقشات دو جانب در رابطه با ترانزیت اموال و انرژی، حق آبه دو جانب از آبهای افغانستان، تجارت و سرمایه گذاری، و سایر موضوعات اختصاصی بین دو کشور را احتوا کند.

پس از اعلام ستراتیژی جدید ایالات متحده آمریکا در مورد جنوب آسیا که دران نقش برانزنده همکاری در مبارزه با دهشت افگنی و بر داشتن ریشه های دهشت افگنی در منطقه، و همچنان آوردن صلح و تحکیم دموکراسی و انکشاف اقتصادی در افغانستان، به هند داده شده، پاکستان تحت فشار سیاسی آمریکا و غرب برای مبارزه جدی با دهشت افگنی قرار گرفت. دونالد ترمپ رئیس جمهور ایالات متحده، هم کانگرس و هم وزرای دفاع و خارجه این کشور بار ها تذکر دادند که موجودیت پناه گاه های امن دهشت افگان در پاکستان پذیرفتنی نیست.

پاکستان در حالیکه حتی قبل از اعلام ستراتیژی جدید آمریکا، و با هشدار های قبلی که از جانب مامورین امریکائی و سناتوران عالی رتبه آمریکا به این کشور داده شده بود، درک کرده بود که دیگر سیاستهای قبلی و بازی های دیرینه دو گانه، کار گر نخواهد افتاد و به فکر پیدا کردن متحدین جدید برای حمایت از این کشور در ملل متحد و جامعه جهانی بر آمد و در تلاش اتحاد با روسیه، ایران و چین گردید اما هم ایالات متحده آمریکا و هم پیمان ناتو بر فشار های شان بر پاکستان افزودند و حتی در راه سفر از هند به افغانستان، به پاکستان سفر نکرده و آنرا نا دیده گرفتند که این خود ضربه سیاسی دیگری بود بر پاکستان. پاکستان با درک و آگاهی از این تغییر موقف غرب و آمریکا برای اینکه درین بازی شطرنج سیاسی چال دیگری رفته باشد، قبل از مسافرت وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا و منشی عمومی پیمان ناتو به افغانستان، در هفته گذشته اعلام آمادگی نمود که لوی درستیز پاکستان به افغانستان سفر میکند. ملاقات دونالد ترمپ با صدراعظم پاکستان، شاهد خاقان عباسی، در حاشیه مجمع عمومی ملل متحد در دو هفته قبل در نیویارک، هم پیام دیگری بود به پاکستان که نشان میداد نقش خود را به حیث "کلید صلح" در افغانستان از دست داده است.

اما در شانزده سال گذشته که پاکستان در حدود یک تریلیون دالر کمک ایالات متحده را برای مبارزه با دهشت افگنی دریافت داشته، هیچگونه اقدام عملی برای آوردن صلح و کشاندن طالبان به میز مذاکره نکرده است در حالی که بر آنها نفوذ کامل دارد، و حالا سیاستمداران پاکستان هم به نفوذ پاکستان بر طالبان علنی اعتراف میکنند.

ولی هر چه باشد اگر این بار پاکستان، با فشار های که جامعه جهانی بر آن وارد کرده، و دیگر حامیان سابقه این کشور هم با حمایت بیشتر از کشوری که لانه دهشت افگنی گردیده و کم از کم بیست گروه از این دهشت افگان تنها در مقابل دولت افغانستان، و گروه های دیگری با هند روی قضیه کشمیر می جنگند، نمی خواهند اعتبار بین المللی شان را خدشه دار کنند. امید می رود که این بار همانطوری که هیأت پاکستانی روز یکشنبه تعهد سپرد که از پروسه صلح به رهبری و مالکیت افغانستان حمایت و با آن همکاری میکند، بالاخره صادقانه عمل کند و راه حلی به این جنگ ویرانگر در افغانستان، که همه روزه از ملت قربانی می گیرد، به دست آید و مردم افغانستان هم از صلح و آرامش مثل هر کشور دیگری بر خور دار گردند.

پایان